

شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی

مریم حسینی*

چکیده: آغاز جنبش فمینیستی زنان در ایران، مصادف با سال‌های انقلاب مشروطه و دوره‌ی پهلوی اول است. زنان روشن‌فکر اهل‌قلم ایران، با تأسیس مدارس دخترانه و انجمن‌های زنان و نشر نشریات ویژه‌ی بانوان نخستین گام‌های خود را به سوی آزادی جامعه‌ی زنان برداشتند. البته نادیده نباید انگاشت که عده‌ای از ایشان با سروده‌های خود در این دوران پیش‌گام آزادی‌خواهی و استیفای حقوق زنان بودند. در میان شاعران نام‌آشنای این دوران، پروین اعتصامی از جمله بهترین‌هاست. وی که از مرتبه‌ای بالا در شاعری برخوردار است، اشعاری در حمایت از حقوق زنان و حفظ حرمت و اهمیت ایشان سروده است. دیوان این بانوی شعر ایران مملو از اشعاری است که در آن همواره به طرف‌داری از زنان و دختران و مادران پرداخته و گاه در اشعاری برعلیه نظام مردسالار حاکم قدعلم کرده است. موضوع بسیاری از این اشعار اعتراضات انتقادی وی بر جامعه‌ی زنان و نظام حکومتی مردانه‌ی ایران است. موضوع مقاله‌ی حاضر اثبات انتساب یکی از اشعار فمینیستی این شاعر است که در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در نشریه‌ی عالم‌نسوان چاپ می‌شود. این قصیده‌ی کوتاه متأسفانه تاکنون از چشم خوانندگان دیوان پروین دور مانده بود. نویسنده در مقاله‌ی حاضر تلاش می‌کند تا ضمن ذکر این قصیده و بررسی صحت انتساب آن به پروین اعتصامی با به‌کارگیری دلایل سبک‌شناسی، به نگرش‌های فمینیستی این شاعر برجسته‌ی ایران که نتیجه‌ی تربیت پدر بزرگوار وی، یوسف اعتصام‌الملک و تحصیل و تعلیم مدرسی است اشاره کند و ضمن یادکرد دیگر شعرهای زنانه‌ی پروین، و ویژگی‌های فمینیستی این قصیده‌ی نویافته را نیز بیان کند.

واژه‌های کلیدی: پروین اعتصامی، شعر فمینیستی، دوره‌ی مشروطیت، جنبش زنان، زنان شاعر.

مقدمه

در میان اوراق کهنه و زرد مجله‌ی قدیمی عالم‌نسوان که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۲ هجری شمسی در تهران منتشر شد، اشعار فراوانی از بعضی شاعران زن پیدا می‌شود که در نوع خود نادر و کمیاب است. در

۶ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹

کنار اشعاری از فخرعظمی ارغون و نیمتاج سلماسی و فاطمه سلطان فراهانی و مهرداد رخشان که از شاعران نام‌آشنای آن زمانه هستند، نام سخنوران زن دیگری چون بدری ایزدی کرمانشاهی، بلقیس ناظری کرمانشاهی، پوران خانم متخلص به پروانه از نیشابور، مریم حقیقه از خسف بیرجند و بالاخانم مرآت‌السلطان و هما محمودی هم به چشم می‌خورد. شاعرانی که شاید تنها تجربه‌های شعری خود را ارسال کرده بودند که امروز یادگاری از آن دوران و حال و هوای سال‌های مشروطه‌خواهی و فریاد آزادی و استقلال کشور است. این زنان که سخنورانی گم‌نام از سراسر ایران بودند، در آن سال‌ها سروده‌های انقلابی خود درباره‌ی ایران و وضعیت زنان را به دفتر نشریه‌ی مجله‌ی نسوان می‌فرستادند و آن نشریه نیز این سروده‌ها را به چاپ می‌سپرد.

انتشار روزنامه‌های اختصاصی زنان که از دوران مشروطه آغاز شده بود، با روی کار آمدن پهلوی اول نیز متوقف نشد و طی دوره‌ی بیست ساله کودتای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ و تا پایان حکومت رضاشاه، ۱۳ نشریه زنانه به جرگه‌ی مطبوعات ایران پیوستند. بیشتر این نشریات طی سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ منتشر شدند. سال ۱۲۹۹ با تولد چهار نشریه‌نامه بانوان، عالم نسوان، زنان ایران و جهان زنان آغازی برای این روند سریع بود و پس از آن هر سال یک نشریه از سوی زنان و برای زنان منتشر شد. «نشریه‌ی عالم نسوان نشریه‌ی هیئت‌امنی مدرسه آمریکایی دختران در تهران بود. خانم انی وودمن استاکی‌نگ بویس از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۹ در ایران زندگی کرد و مدیر مدرسه‌ی دخترانه ایران بود و در دهه‌ی ۱۹۲۰ (۱۳۰۰) سردبیر عالم نسوان شد که با حمایت هیئت‌امنی ایران به چاپ می‌رسید.» (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۴۵).

برتری این نشریه بر سایر نشریات که توسط بانوان اداره می‌شد، این بود که اداره‌ی آن به وسیله‌ی هیئت تحریریه و امور اداری صورت می‌گرفت. در حالی که تا آن زمان، حتی پیشرفته‌ترین نشریات فارسی، هیئت تحریریه نداشتند و اغلب آن‌ها توسط یک یا دو نفر نویسنده اداره می‌شد و اکثر اوقات، تمامی کارهای روزنامه، حتی نوشتن و ارسال نامه‌ها به وسیله‌ی خود صاحب امتیاز و مدیر انجام می‌گرفت. اعضای هیئت‌تحریریه‌ی مجله در سال اول خانم‌ها: طیبه میردامادی، اشرف نبوی، هما محمودی، نوابه صفوی، معصومه فیلی، فروزان، فرخنده سمیعی، بدرالملوک، خانم ملک‌زاده و مدیر مدرسه‌ی آمریکایی بودند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۲۲). عالم نسوان حدود ۱۳ سال انتشار یافت.

موضوعات مورد بحث در «عالم نسوان»، اخبار بهداشتی و درمانی، روش‌های خانه‌داری، اطلاعات در مورد مدهای لباس در کشورهای غربی، فعالیت‌های سوادآموزی و اخبار جنبش‌های فمینیستی در سطح

شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی ۷

بین‌المللی بود (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۶۰). هم‌چنین در این نشریه مقالات و سرمقاله‌هایی در مورد محکومیت ازدواج‌های زودهنگام دختران، فقدان حقوق سیاسی برای زنان و نقد حجاب به چاپ می‌رسید. مقالاتی که شرایط نابسامان زنان را مورد نقد قرار می‌دادند به طور چشم‌گیری در آخرین سال‌های انتشار این نشریه افزایش یافت و زبان آن منتقدانه‌تر و خشم‌گینانه‌تر شد. هم‌چنین انتشار «عالم نسوان» در پی اعلام کشف حجاب متوقف شد. چه بسا صراحت این نشریه طی دوره‌ی رضاشاه به تعطیلی آن منجر شد. «عالم نسوان» با ۱۳ سال انتشار، پایدارترین نشریه‌ی زنانه دوران مشروطه بود. این دو ماهنامه که به صاحب امتیازی «نوبه خانم صفوی» منتشر می‌شد، هدف خود را «تعاون در تعالی و ترقی نسوان و تشویق آن‌ها به خدمت به وطن و خانواده و حسن اداره امور تربیتی» اعلام کرده بود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۱۲۳). عالم نسوان که در هر شماره اخبار پیشرفت زنان و خدمات آنان در نقاط مختلف جهان را نیز منتشر می‌کرد، در اولین شماره خود به صراحت نوشت «ابدا قصد انتشار اخبار سیاسی که در روزنامه‌های یومیه خوانده می‌شود را نداشته و فقط مطالبی را که برای زنان ایرانی نهایت لزوم و اهمیت را دارد، منتشر می‌کند». این مطالب نیز از دیدگاه اداره‌کنندگان عالم نسوان عبارت بودند از: مقالات پزشکی، دستوراتی راجع به پرستاری و تربیت کودکان، مطالبی درباره‌ی اداره‌ی امور خانه از قبیل نظافت و آشپزی، نمونه‌ای از مدهای لباس، اخبار ترقی زنان در کل جهان و به‌ویژه ایران و مقالات ادبی و آثار منظوم و منثور زنان ایرانی. بنا به گفته‌ی صدرهاشمی، این مجله، تا سال دوازدهم انتشار یافته؛ به طوری که شماره دوم آن در اسفند ۱۳۱۰ ش و شماره ششم - که آخرین شماره این سال است - در آبان ۱۳۱۱ ش منتشر شده و به طور کل، این مجله در سال دوازدهم در ۲۸۸ صفحه به قطع خشتی طبع و توزیع گردیده است (بیران، ۱۳۸۱: ۶۵).

بحث و بررسی

پروین اعتصامی

(۱۲۸۵-۱۳۲۰) از دانش‌آموختگان مدرسه‌ی دخترانه‌ی آمریکایی‌های تهران بود. دختران فارغ‌التحصیل این مدرسه بیشتر کسانی بودند که بعدها نهضت‌های آزادی نسوان در ایران را راهبری کردند. به‌عنوان مثال مه‌رتاج رخشان که یکی از چهره‌های مبارز دوره‌ی نخست آزادی زنان در ایران است، نخستین فارغ‌التحصیل این مدرسه بود. پروین اعتصامی که تربیت‌شده‌ی آزادی‌خواهی چون یوسف اعتصام‌الملک بود؛ در مدرسه‌ی دختران آمریکایی که هدفش تعلیم و تربیت دختران و زنان ایران بود تحصیل کرد و در نتیجه صاحب ایده و عقاید آزادی‌طلبانه‌ای درباره‌ی وضعیت زنان ایران شد که نتیجه‌ی هوشیاری،

۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹

موشکافی و ذهن حساس خود پروین، تربیت روشن‌فکرانه پدر و آموزش‌های مدرسه بود. وی در خردادماه ۱۳۰۳ خورشیدی در خطابه‌ای با عنوان «زن و تاریخ» در روز جشن فارغ‌التحصیلی خود در مدرسه‌ی «انائیه‌ی آمریکایی تهران»، از ستمی که در طی قرون و اعصار، در شرق و غرب به زنان روا داشته‌اند، سخن گفت و تصریح نمود که:

«سرانجام زن پس از قرن‌ها درماندگی، حق فکری و ادبی خود را به دست آورد و به مرکز حقیقی خود نزدیک شد... در این عصر، مفهوم عالی «زن» و «مادر» معلوم شد و معنی روح‌بخش این دو کلمه که موسس بقا و ارتقای انسان است، پدیدار گشت. این که بیان کردیم راجع به اروپا بود. آن‌جا که مدنیت و صنعت، رایت فیروزی افراشته و اصلاح حقیقی بر اساس فهم و درک تکیه کرده... آن‌جا که دختران و پسران، بی‌تفاوت جنسیت، از تربیت‌های بدنی و عقلی و ادبی بهره‌مند می‌شوند... آری آن‌چه گفتیم در این مملکت‌های خوشبخت وقوع یافت. عالم نسوان نیز در اثر همت و اقدام، به مدارج ترقی صعود نمود. اما در مشرق که مطلع شرایع و مصدر مدنیت غلام بود... کار بر این نهج نمی‌گذشت. اخیراً کاروان نیک بختی از این منزل کوچ کرد و معمار تمدن از عمارت این مرزوبوم، روی برتافت... در طی این ایام، روزگار زنان مشرق زمین، همه‌جا تاریک و اندوه‌خیز، همه‌جا آکنده به رنج و مشقت، همه‌جا پر از اسارت و مذلت بود... اگرچه برای معالجه‌ی این مرض اجتماعی بسیار سخن‌ها گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند، اما داروی بیماری مزمن شرق، منحصر به تربیت و تعلیم است. تربیت و تعلیم حقیقی که شامل زن و مرد باشد و تمام طبقات را از خوان گسترده‌ی معرفت مستفید نماید.

ایران، وطن عزیز ما که مفاخر و مآثر عظیمه‌ی آن زینت‌افزای تاریخ جهان است، ایران که تمدن قدیمیش اروپای امروز را رهین منت و مدیون نعمت خویش دارد، ایران با عظمت و قوتی که قرن‌ها بر اقطار و ابصار عالم حکم‌روا بود، از مصائب و شداید شرق، سهم وافر برده، اکنون به دنبال گم‌شده‌ی خود می‌دود و به دیدار شاه‌دینیک‌بختی می‌شتابد... امیدواریم به همت دانشمندان و متفکرین، روح فضیلت در ملت ایجاد شود و با تربیت نسوان اصلاحات مهمه‌ی اجتماعی در ایران فراهم گردد. در این صورت، بنای تربیت حقیقی استوار خواهد شد و فرشته‌ی اقبال در فضای مملکت سیروس و داریوش، بال‌گشایی خواهد کرد» (متنی، ۱۳۸۰).

شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی ۹

«پروین اعتصامی» در همین جلسه، شعر «نهال آرزو» را که برای جشن فارغ‌التحصیلی کلاس خود سروده بود، خواند. شعری که همان دختر شرمگین و آرام و کم‌رو در آن، فریاد برآورد که: «از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند».

نهال آرزو

ای نهال آرزو، خوش زی که بار آورده‌ای
غنچه بی‌باد صبا، گل بی‌بهار آورده‌ای
باغبانان تو را امسال، سال خرمی ست
زین همایون میوه، کز هر شاخسار آورده‌ای
شاخ و برگت نیکنامی، بیخ‌وبارت سعی و علم
این هنرها، جمله از آموزگار آورده‌ای
خرم آن کاو وقت حاصل ارمغانی از تو برد
برگ دولت، زاد هستی توش کار آورده‌ای

غنچه‌ای زین شاخه، ما را زیب دست و دامن است
همتی ای خواهران، تا فرصت کوشیدن است
پستی نسوان ایران، جمله از بی‌دانشی ست
مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است
زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست
شاهراه سعی اقلیم سعادت، روشن است
به که هر دختر بداند قدر علم آموختن
تا نگوید کس پسر هوشیارو دختر کودن است

زن ز تحصیل هنر شد شهره در هر کشوری
برنکرد از ما کسی زین خوابِ بیداری سری

از چه نسوان از حقوق خویشتن بی بهره‌اند
نام این قوم از چه، دور افتاده از هر دفتری
دامن مادر، نخست آموزگار کودک است
طفل دانشور، کجا پرورده نادان مادری
با چنین درماندگی، از ماه و پروین بگذریم
گر که ما را باشد از فضل و ادب بال و پری

دیوان / ۳۵۵ - ۳۵۶

ناگفته نماند که سرودن شعر «نهل آرزو» در آن سال‌ها، آن‌چنان با جو حاکم بر جامعه‌ی ایران ناسازگار بود که «یوسف اعتصام‌الملک»، پدر «پروین»، در سال ۱۳۱۴ و پیش از کشف حجاب، از آوردن این شعر در چاپ اول دیوان «پروین» خودداری کرده‌است. اما اشعار پروین در آن سال‌ها در نشریه‌ی عالم نسوان منتشر می‌شد. آثار زیر اشعاری از این شاعره نامدار است که در سال‌های مختلف در این نشریه منتشر شد و هم اکنون در دیوان وی موجود است.

قطعه‌ی «ای مرغک» با امضای پ.ن و با مطلع:

ای مرغک خرد ز آشیانه پرواز کن و پریدن آموز

(عالم نسوان، سال اول، ش ۲، ص ۲۵)

قصیده‌ی «نوروز و بهار» با امضای پ.ن و با مطلع:

سپیده دم نسیمی روح‌پرور وزید و کرد گیتی را معنبر

(همان، سال اول ش ۴، ص ۲۶ - ۲۹)

قطعه‌ی «نهل آرزو» که پیش از این ذکر آن گذشت و پروین برای جشن فارغ التحصیلی کلاس خود سروده بود، با مطلع:

ای نهال آرزو خوش زی که بار آورده‌ای غنچه بی باد صبا گل بی بهار آورده‌ای

(همان، سال چهارم، ش ۵، ص ۱۶)

قطعه شعر دیگری با عنوان «نصیحت» با امضای پروین و با مطلع:

هرکه با پاکدلان صبح و مسائی دارد دلش از پرتو اسرار صفایی دارد

(همان، سال هشتم، ش اول، ص ۱۴)

شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی ۱۱

مناظره‌ی «جوان و پیر» با اشاره‌ی صریح مجله به نام شاعر، از اشعار خانم فاضله پروین اعتصامی و به مطلع:

به شکوه گفت جوانی فقیر با پیری

به روزگار مرا روی شادمانی نیست

(همان، سال دوازدهم، ششم، ششم، ص ۲۲۴)

در شماره‌ی ششم این نشریه و در سال نخست انتشار که مصادف با سرطان سال ۱۳۰۰ است قصیده‌ی کوتاهی از شاعری به نام پروین منتشر می‌شود و هیچ توضیح دیگری درباره‌ی سراینده آن نمی‌آید. به نظر می‌رسد به‌خاطر لحن تند این شعر و اعتراضات فمینیستی مندرج در آن که با جو حاکم آن روزگار سر سازگاری ندارد، هیئت تحریریه مجله، از ذکر نام شاعر به صورت صریح پرهیز کرده‌اند. پیش از این شعر، دو شعر دیگر در سال اول انتشار این نشریه از پروین منتشر می‌شود. در سال ۱۳۰۰ که این شعر و دیگر اشعار پروین در نشریه عالم نسوان منتشر شد وی دانش‌آموز مدرسه‌ی دخترانه‌ی آمریکایی‌ها بود و پانزده سال بیشتر نداشت. این قصیده‌ی کوتاه با عنوان «باز ایستاده‌ایم!» با مضمون تأکید بر برابری حقوق زن و مرد، انتقاد از جهل، سادگی و نادانی زنان، انتقاد از تحقیر زنان توسط مردان، انتقاد از خشونت مردان علیه زنان و توصیه به علم‌آموزی در شماره ششم سال اول عالم نسوان به چاپ رسیده است.

باز ایستاده‌ایم!

زان دم که پا به شارع هستی نهاده‌ایم	گامی دو راه رفته و گامی ستاده‌ایم
بنیان آفرینش ما مرد و زن یکی است	در شاهراه علم چرا ما پیاده‌ایم؟
از حق مردمی، ز چه رو دست ما تهی است؟	فرزند آدمیم، نه ابلیس زاده‌ایم!
ما را خدا مگر نه سر و عقل و هوش داد	در پشت سر فتاده چرا چون وساده‌ایم؟
در زیر پای خویش شدستیم پایمال	با دست خود حقوق خود از دست داده‌ایم
گر بیهشان ز باده خرابند، ما ز جهل	ما بیهشان بی خبر از جام و باده‌ایم
سیلی چرا خوریم؟ نه ناچیز پیشه‌ایم	منت چرا کشیم؟ نه مسکین جراده‌ایم
تا گوش داده، طعنه‌ی پیکان شنیده‌ایم	تا بال و پر گشوده به دام اوفتاده‌ایم
گنگیم زان سبب که همی بر دهان ما	مشتی رسیده تا به سخن لب گشاده‌ایم
چون شمع، وقت گریه عبث خنده کرده‌ایم	از سوختن گداخته باز ایستاده‌ایم
هر طایر ضعیف شود شاهبازمان	از بس که چون کبوتر و گنجشک ساده‌ایم

(همان، سال اول، ششم، ص ۲۶)

این قطعه در هیچ‌یک از نسخه‌های چاپ شده دیوان پروین اعتصامی وجود ندارد. اما با توجه به دیگر اشعار پروین در نشریه‌ی عالم نسوان به نظر می‌رسد که شاعر آن پروین اعتصامی دختر یوسف اعتصام‌الملک باشد. در این نشریه تمامی شاعران زنی که ناشناخته و گمنام هستند با نام کامل و گاهی حتی همراه با نام شهری که از آن‌جا شعر را فرستاده‌اند و یا اهل آن هستند معرفی می‌شوند. مثلاً بدری ایزدی کرمانشاهی، یا بلقیس ناظری کرمانشاهی، پوران خانم متخلص به پروانه از نیشابور، مریم حقیقه از خسف‌بیرجند، فاطمه سلطان فراهانی و بالاخانم مرآت‌السلطان؛ نام پروین اعتصامی در شعرهای سال نخست که وی هنوز دوره‌ی نوجوانی را می‌گذراند و شاگرد مدرسه است به صورت اختصاری پ.ن. و در شعرهای سال‌های بعد با امضای پروین و در سال آخر (سال دوازدهم) که شعری با عنوان مناظره‌ی جوان و پیر از پروین درج می‌شود مجله نام شاعر را این‌گونه ثبت می‌کند: خانم فاضله پروین اعتصامی.

به هر حال با توجه به این که پیدا شدن این قطعه شعر که سرشار از مضامین فمینیستی است و اثبات انتساب آن به پروین اعتصامی، در معرفی و شناخت پروین و جریانات شعر زنان در آن دوران مؤثر است، لازم آمد که این انتساب بررسی شود. به همین دلیل این اثر از جهات سبک‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت تا شعری دیگر از این شاعره نامی زینت بخش دیوان وی شود. اثبات انتساب این شعر پروین، مایه افتخار جامعه زنان خواهد بود، تا بدانند شاعره‌ی فهیم ایران در نوجوانی، تا چه حد به مسائل دوره‌ی خود واقف بوده و چگونه آن‌جا که ضرورت ایجاب کرده، زبان به انتقاد تند علیه نظام مردسالاری گشوده است.

پروین اعتصامی دختر گران‌مایه‌ی یوسف اعتصام‌الملک است که خود از پیشروان مدافعین حقوق زنان در ایران است. میرزایوسف‌خان اعتصام‌الملک، پدر پروین اعتصامی، (متوفی، ۱۲ دی ماه ۱۳۱۶ ش) در تبریز به دنیا آمد. ادب عرب و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت قدیم و زبان فرانسه را در تبریز آموخت. وی نخستین کسی بود که به گفته‌ی دهخدا لوای حریت را برافراشته و بذر این شجر بارور را کاشته است. «کتاب تربیت نسوان او که ترجمه‌ای بود از تحریرالمراه قاسم امین مصری و به سال ۱۳۱۸ ه.ق. چاپ شد، در آن روزگار تعصب عام، در شهری مثل تبریز ارزش خاصی داشت.» (آرین پور، ۱۳۷۲، ج ۲ / ۱۱۳). طالب اف پس از دریافت نسخه این کتاب چند ماه بعد به مترجم آن نوشت:

«مرحبا بر آن سلیقه‌ی معنوی که سنگ گوشه‌ی بنای عمارت بزرگ تمدن لابد منه وطن را گذاشتی که در آتیه در مجالسی که نسوان ایران دعوی تسویه حقوق خود را با نطق‌های فصیح و کلمات جامعه اثبات می‌کنند، از مترجم تربیت نسوان تذکره و وصافی خواهند نمود.» (همان، ۱۳۷۶: ج ۳ / ۸).

شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی ۱۳

کتاب تحریرالمراه نوشته‌ی قاسم‌امین روشن‌فکر مصری بود که در سال ۱۸۹۹ منتشر شد. در این کتاب قاسم‌امین به طور جدی خواهان ایجاد برابری زن و مرد بود؛ بنابراین مسأله‌ی زن را به صورت گسترده به گونه‌ای ادامه داد که پیش از او کسی بدان شکل بیان نکرده بود. این کتاب در مورد آزادی زن و حقوق اوست.^۱ ترجمه‌ی چنین اثری نشان از فهم بالا و درایت یوسف اعتصام‌الملک نسبت به جامعه زنان دارد. این کتاب شش سال پیش از امضای فرمان مشروطیت در ایران منتشر شد و روشن است که تا چه حد بر ایده‌ها و آرای زنان و مردان تأثیر گذاشته است. بر همگان روشن است که پروین تا چه حد به پدر علاقه‌مند بوده و در حقیقت در محضر او شاگردی و تلمذ می‌کرده است. پس بدیهی است که این کتاب را بارها خوانده و در زندگی سرمشق خود ساخته باشد. همچنین مجله‌ی بهار که اکثر مقالات آن را خود اعتصام‌الملک تهیه می‌کرد در هر شماره بخشی به زنان اختصاص داده شده بود که عنوان عالم نسوان داشت.^۲ در دیوان پروین جز شعر نهال آرزو که ذکر آن پیش از این رفت، دو قطعه شعر بلند وجود دارد که به طور خاص درباره‌ی زنان و مسائل ایشان است و معلوم است به مناسبت‌های خاصی سروده شده است. آن اشعار در این جا می‌آید. شعر نخست با عنوان گنج عفت یا زن در ایران شعری است که پروین در سال ۱۳۱۴ پس از فرمان رفع حجاب سروده است:

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود	پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت	زن چه بود آن روزها، گر زان که زندانی نبود
کس چو زن، اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد	کس چو زن، در معبد سالوس قربانی نبود
در عدالت‌خانه‌ی انصاف، زن شاهد نداشت	در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود
دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب	آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود
بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لیک	در نهادِ جمله گرگی بود، چوپانی نبود

^۱ به هر حال «قاسم‌امین» شاید اولین کسی باشد که فرودستی زن در جامعه اسلامی را با این نظریه تبیین می‌کند. وی معتقد است؛ هر وقت در جامعه حکومت استبدادی غلبه‌داشته باشد، استبداد به همه جامعه سرایت می‌کند و در نهایت قشر مرد، قشر زن را تحقیر می‌کند. وی می‌گوید: از جمله اسباب تحقیر زنان، فساد اخلاق می‌باشد که آن نیز ناشی از حکومت استبدادی است.

^۲ مجله بهار در ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۸ ه.ق. (اول اردیبهشت ۱۲۸۹) منتشر شد و سال اول آن در دوازده شماره در ۲۵ ذی القعدة ۱۳۲۹ ه.ق. (آبان ۱۲۹۰) پایان یافت و باز در شعبان ۱۳۳۹ (اردیبهشت ۱۳۰۰) (آرین پور، ۱۳۷۶، ۸) پس از ده سال خاموشی برای بار دوم منتشر شد و تا جمادی الاولی ۱۳۴۱ ه.ق. دوازده شماره دیگر بیرون آمد (همان، ۱۱۴). مجله بهار حاوی مطالب سودمند علمی، ادبی، اخلاقی، تاریخی و اقتصادی بود.

از برای زن به میدان فراخِ زندگی
نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند
زن کجا بافنده می‌شد بی‌نخ و دوک هنر
میوه‌های دگه‌ی دانش فراوان بود، لیک
در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان
بهر زن، تقلید تیه فتنه و چاه بلاست
آب و رنگ از علم می‌بایست شرط برتری
جلوه‌ی صد پرنیان، چون یک قبای ساده نیست
ارزش پوشنده، کفش و جامه را ارزنده کرد
سادگی و پاک‌ی و پرهیز، یک یک گوهرند
از زر و زیور چه سود آن‌جا که نادان است زن
عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده‌ست و بس
زن سبک‌ساری نبیند تا گران‌سنگ است و پاک
زن چو گنج‌ور است و عفت، گنج و حرص‌وآز، دزد
اهرمن بر سفره‌ی تقوی نمی‌شد میهمان
پا به راه راست باید داشت، کاندر راه کج
چشم و دل را پرده می‌بایست، اما از عفاف
قطعه‌ی دیگر شعری است با عنوان «فرشته‌ی انس»
در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست
به هیچ مبحث و دیباچه‌ای، قضا نوشت
زن از نخست بود رکن خانه‌ی هستی
زن از براه متاعت نمی‌گداخت چو شمع
چو مهر، گر که نمی‌تافت زن بکوه وجود

سرنوشت و قسمتی، جز تنگ میدانی نبود
این ندانستن ز پستی و گرانجانی نبود
خرمن و حاصل نبود آن‌جا که دهقانی نبود
بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود
در گلستان، نام از این مرغ گلستانی نبود
زیرک آن زن کاو رهش این راه ظلمانی نبود
با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود
عزت از شایستگی بود، از هوسرانی نبود
قدر و پستی، با گرانی و به ارزانی نبود
گوهر تابنده، تنها گوهر کانی نبود
زیور و زر، پرده‌پوش عیب نادانی نبود
جامه‌ی عجب و هوا، بهتر ز عربانی نبود
پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود
وای اگر آگه از آیین نگهبانی نبود
زان که می‌دانست کان جا، جای مهمانی نبود
توشه‌ای و رهنمودی، جز پشیمانی نبود
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود

در آن وجود که دل مرده، مرده است روان
برای مرد کمال و برای زن نقصان
که ساخت خانه‌ی بی‌پای بست و بی‌بنیان
نمی‌شناخت کس این راه تیره را پایان
نداشت گوهری عشق، گوهر اندر کان

فرشته بود زن، آن ساعتی که چهره نمود
اگر فلاطن و سقراط، بوده‌اند بزرگ
بگهاورهای مادر، به کودکی بس خفت
چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
حدیث مهر، کجا خواند طفل بی‌مادر
وظیفه‌ی زن و مرد، ای حکیم، دانی چیست
چو ناخداست خردمند و کشتی‌اش محکم
به روز حادثه، اندریم حوادث دهر
همیشه دختر امروز، مادر فرداست
اگر رفوی زنان نکو نبود، نداشت
توان و توش ره مرد چیست، یاری زن
زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود
به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق
ز بیش‌وکم، زن دانا نکرد روی ترش
سمند عمر، چو آغاز بدعنانی کرد
چه زن، چه مرد، کسی شد بزرگ و کامروا
به رسته‌ی هنر و کارخانه‌ی دانش
زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
کسی‌ست زنده که از فضل، جامه‌ای پوشد
هزار دفتر معنی، بما سپرد فلک
خرد گشود چو مکتب، شدیم ما کودن
بساط اهرمن خودپرستی و سستی

فرشته بین، که برو طعنه میزند شیطان
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان
شدند یک‌سره، شاگرد این دبیرستان
نظام و امن، کجا یافت ملک بی‌سلطان
یکی‌ست کشتی و آن دیگری‌ست کشتی‌بان
دگر چه باک ز امواج و ورطه و طوفان
امید سعی و عمل‌هاست، هم‌ازین، هم‌ازان
ز مادرست میسر، بزرگی پسران
بجز گسیختگی، جامه‌ی نکو مردان
حطام و ثروت زن چیست، مهر فرزندان
طیب بود و پرستار و شحنه و دربان
به روز سانحه، تیمارخوار و پشتیبان
به حرف زشت، نیالود نیک‌مرد دهان
گه‌بیش مرد و زمانیش زن، گرفت عنان
که داشت میوه‌ای از باغ علم، در دامان
متاع‌هاست، بیا تا شویم بازرگان
فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان
نه آن‌که هیچ نیرزد، اگر شود عریان
تمام را بدریدیم، بهر یک عنوان
هنر چو کرد تجلی، شدیم ما پنهان
گر از میان نرود، رفته‌ایم ما ز میان

همیشه فرصت ما، صرف شد درین معنی	که نرخ جامه‌ی بهمان چه بود و کفش فلان
برای جسم، خریدیم زیور پندار	برای روح، بریدیم جامه‌ی خذلان
قماش دکه‌ی جان را، به‌عجب پوسانیدیم	بهر کنار گشودیم بهر تن، دکان
نه رفعت‌ست، فساد است این رویه، فساد	نه عزت‌ست، هوانست این عقیده، هوان
نه سبزه‌ایم، که روئیم خیره در جر و جوی	نه مرغ‌کیم، که باشیم خوش بمشتی دان
چو بگرویم به کرباس خود، چه غم داریم	که حله‌ی حلب ارزان شدست یا که گران
از آن حریر که بیگانه بود نساجش	هزار بار برازنده‌تر بود خلقان
چه حله‌ای ست گران‌تر ز حیلت دانش	چه دیبه‌ای‌ست نکوتر ز دیبه‌ی عرفان
هر آن گروهه که پیچیده شد بدوک خرد	به کارخانه‌ی همت، حریر گشت و کتان
نه بانوست که خود را بزرگ می‌شمرد	به گوشواره و طوق و به یاره‌ی مرجان
چو آب و رنگ فضیلت به چهره نیست چه سود	ز رنگ جامه‌ی زربفت و زیور رخشان
برای گردن و دست زن نکو، پروین	سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان

دلایل سبک‌شناسی انتساب شعر «باز ایستاده‌ایم» به پروین اعتصامی

بحث واژگانی

واژگانی که در این شعر به کار رفته از واژگان رایج دیوان پروین است. جز دو واژه‌ی جراده و وساده که به‌واسطه‌ی اختیار قافیه در این شعر به طور خاص به کار گرفته شده‌اند سایر واژه‌ها بارها کاربرد داشته‌اند. بسامد واژه‌های این شعر در دیوان پروین جستجو شد و این نتیجه به دست آمد:

هستی ۵۷ بار - شمع ۳۴ بار - طائر ۱۲ بار - ابلیس ۶ بار - طعنه ۲۰ بار - سیلی ۱ بار - گنجشک ۵ بار - کبوتر ۱۳ بار - شاهباز ۱ بار - گام ۵ بار - بنیان ۱ بار - شاهراه ۱ بار - حقوق ۲ بار - جام ۱۱ بار - باده ۹ بار.

جالب این‌که واژه‌ی حقوق فقط دو بار دیگر در دیوان کاربرد داشته که یکی از آن‌ها شعری درباره‌ی رنج‌بران و زحمت‌کشان جامعه است با ردیف ای رنجبر و شعر دیگر یکی از قطعه‌هایی است که درباره‌ی زنان سروده است:

شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی ۱۷

از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند؟ نام این قوم از چه، دورافتاده از هر دفتری؟ دیوان/۳۵۶
هم‌چنین واژه‌ی شاهراه فقط یک بار آن هم در شعر زنان به کار رفته است:

زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست شاهراه سعی و اقلیم سعادت روشن است دیوان/۳۵۶
استفاده از نام پرندگانی چون کبوتر و گنجشک از ویژگی‌های سبکی شعر پروین است. دسته‌ی
بزرگی از شخصیت‌های شعری پروین از میان پرندگان انتخاب شده‌اند. در این شعر هم پروین برای
توصیف سادگی زنان از تشبیه ایشان به کبوتران و گنجشک‌ها سود برده است.

گنجشکِ خرد گفت سحر با کبوتری کآخر تو هم برون کن ازین آشیان سری

دیوان / ۱۸۵

شمع هم از شخصیت‌های شعری پروین است. در شعر فرشته‌ی انس پروین یک‌بار دیگر زن را به
شمع تشبیه کرده است:

زن ار به راه متاعب نمی‌گداخت چو شمع نمی‌شناخت کس این راه تیره را پایان

دیوان/۲۶۲

ترکیبات: ترکیب شارع هستی در مطلع شعر یکی از ترکیب‌هایی است که پروین با هستی ساخته است.
همان‌طور که در بالا ذکر شد پروین بارها از واژه‌ی هستی استفاده کرده است که فراوانی ترکیبات آن هم
بسیار است. ترکیب‌هایی چون: شاخه‌ی هستی، مخزن هستی، ره هستی، دامن هستی، سرمایه‌ی هستی،
گنج هستی، اوراق هستی، عروس هستی، باغ هستی، انجم هستی، حاصل هستی و نقش هستی و... که
یک مورد باز در یکی از قطعه‌های شعر زنان است:»

زن از نخست بود رکن خانه هستی که ساخت خانه بی پای بست و بی بنیان

دیوان / ۲۶۲

جالب این‌که ترکیب نادر طعنه‌ی پیکان هم در یکی از قصیده‌های پروین دیده می‌شود:
کسی ز طعنه‌ی پیکان روزگار رهید که گاه حمله، او سستی آشکار نکرد
ترکیب بال و پر ۲۱ بار دیوان پروین در کنار هم و به صورت پر و بال و بال و پر می‌آید.
چو طائران دگر جمله را پر و بال است چرا برای رهایی پری نیفشانند

دیوان/۳۵۲

ترکیب طائر ضعیف هم یک بار دیگر در دیوان پروین آمده است:

از خون صدهزار چو ما طائر ضعیف
هر صبح و شام دامن گیتی ملون است
دیوان/۳۲۷

ساختار نحوی جملات

ساختار نحوی جمله‌ها در این شعر شباهت فوق‌العاده‌ای به شعر فرشته‌ی انس دارد. در این شعر نوبافته بعضی مصراع‌های شکل پرسشی دارند.

در شعر فرشته‌ی انس حداقل پنج بیت لحن پرسشی دارد و در شعر بازایستاده‌ایم چهار بیت پرسشی وجود دارد. این پرسش‌ها لحن کلام را تند و انتقادی می‌کند.

در بعضی ابیات از ساختار ترکیبی نه..... نه..... استفاده شده است. در این ابیات شاعر از انتساب چیزی به خود تبرا می‌جوید و آن را رد می‌کند. به ساختار دو بیت زیر دقت کنید:

نه سبزه‌ایم، که روییم خیره در جر و جوی نه مرغ‌کیم، که باشیم خوش به مستی دان
بیتی از فرشته‌ی انس

سیلی چرا خوریم؟ نه ناچیز پیشه‌ایم منت چرا کشیم؟ نه مسکین جراده‌ایم

بیتی از شعر بازایستاده‌ایم

در هر دو بیت که اولی از شعر فرشته‌ی انس و دومی از شعر بازایستاده‌ایم بیرون کشیده شده‌اند، می‌توانیم مشاهده کنیم که شباهت فراوانی در ساخت ترکیبی کلمات و ابیات وجود دارد.

در ضمن در هر دو بیت بالا تکرار ساخت نحوی وجود دارد که بر بلاغت و شیوایی سخن افزوده است.

موسیقی: وزن قطعه فوق مضارع است. این بحر یعنی بحر مضارع مثنی‌اخر مکفوف محذوف (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) یکی از پربسامدترین اوزان شعری پروین است. بعد از بحر رمل و مجتث او بیش از همه اوزان از این بحر در قصاید کوتاه و قطعه‌های خود استفاده کرده است.

بلاغت سخن

آنچه در قطعه فوق چشم‌گیر است، بیان رسا و شیوای شاعر است که از هر نوع کاستی در موسیقی و یا کاربرد ترکیبات و کلمات خالی است. بر همگان روشن است که بطور کلی شعر دوره‌ی مشروطه و به طور خاص اشعار مردمی و شعاری این دوره‌ی خالی از هر نوع تکنیک و ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه است. برجسته‌ترین شاعران انقلابی این دوران پروین اعتصامی و ملک‌الشعراء بهار هستند که شعر خالی از هر نوع غرابت و دشواری سروده‌اند. دیگر شاعران به دلایل متعدد نتوانستند کفهی بلاغت ترازوی کلام خود

شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی ۱۹

را سنگین کنند. نداشتن تحصیلات منظم، علاقه به تازگی و دوری از سبک‌های دیرین کلاسیک و تجربه‌ی اشعار بی‌قاعده، تبدیل شدن شعر به شعار در این دوره، استفاده از زبان مردمی و کوچه بازار، استفاده فراوان از مثل‌ها و کنایه‌های روزمره همه باعث شد تا شعر دوره‌ی مشروطه تا سال‌ها پس از آن هم از فقدان عناصر زیبایی‌شناسی در کلام رنج ببرد. اما هیچ‌یک از این موارد در شعر پروین حکم نمی‌کند و شعر او شعری سالم و بی‌عیب است.

در قصیده‌ی کوتاه «بازایستاده‌ایم» با این‌که شعری شعاری، مفهومی و انتقادی است، شاعر از تشبیه و استعاره و ایهام و کنایه سود برده است. اضافات تشبیهی شارع هستی، شاهراه علم، تشبیه زن به وساده، مسکین جراحه، ناچیز پیشه، شمع، کبوتر و گنجشک اضافه استعارای طعنه‌ی پیکان در بیت ۸، مراعات‌النظیر دست و پا در بیت پنج، کنایه پیاده بودن در بیت دو، مراعات‌النظیر طعنه (تیر) پیکان (نوک تیر) بال و پر گشودن، در دام افتادن در بیت ۸، طایر و شاهباز و کبوتر و گنجشک در بیت ۱۱، تکرار ساخت نحوی در بیت هفت، تکرار در بیت شش تکرار بیهشان و باده در دو مصرع، پای در پایمال، تکرار سر در دو مصرع در بیت چهار، برجستگی‌های زیبایی‌شناسانه این قصیده‌ی کوتاه خود نشان از تبحر شاعر در سرایش شعر دارد که در آن دوران جز از چند شاعر چنین بلاغتی بعید می‌نماید. بدین جهت به طور قطع می‌توانیم بپذیریم که منظور از پروین، پروین اعتصامی است و هیچ پروین دیگری در این سال‌ها صلابت کلام و استواری سخن وی را ندارد.

ویژگی‌های فمینیستی شعر بازایستاده‌ایم!

نخستین پرسشی که با دیدن عنوان بالا مطرح می‌شود این است که مشخصات یک اثر فمینیستی چیست؟ و چرا این شعر را شعری فمینیستی نامیده‌ایم. اثری را فمینیستی می‌نامیم که نویسنده یا شاعر در اثر خود، اصالت را به زنان داده و تمام توجه آن بر زنان و مسایل آنان است. این متون در تلاش هستند تا بیان کنند که چگونه نابرابری‌ها و اختلاف‌های شدید جنسیتی منجر به تحقیر و توهین به جامعه زنان می‌شود. هم‌چنین آثاری که اختلاف و تبعیض و ستم بر زنان را مطرح می‌کنند و در پی برانداختن و برچیدن پدرسالاری و مردسالاری حاکم بر جامعه هستند. در این نوع آثار از تأثیرپذیری، انفعال و ابژه بودن زنان انتقاد می‌شود و انتظار می‌رود تا زنان نقشی فعال و تأثیرگذار در جامعه داشته باشند. حقوق زنان در این آثار مورد توجه است و نگارنده به صورت‌های مختلف از نابرابری حقوق زنان و مردان سخن می‌گوید. آثاری که در آن‌ها صدای اعتراض نگارنده بلند می‌شود و انتقادات تندی به قصد

مبارزه، در آن صورت می‌گیرد. نظریه‌ی تفاوت و نظریه‌ی نابرابری زن و مرد در این آثار مطرح می‌شوند و گاه با اشاره به خشونت مردان علیه زنان نظریه‌ی ستمگری مورد توجه قرار می‌گیرد. بدیهی است که نویسندگان این دسته آثار بیشتر زنان هستند، در ادبیات این آثار را متون فمینیستی می‌نامیم.

چند شعری که از پروین در بالا نقل شد آثاری با رگه‌هایی از توجهات فمینیستی هستند. اما شعر «بازایستاده‌ایم» نسبت به اشعار دیگر، ویژگی‌های فمینیستی بیشتری دارد. در این شعر شاعر در چند بیت به توصیف وضعیت زنان در زمانه خود می‌پردازد و زبان به انتقاد و اعتراض می‌گشاید. او ضمن انتقاد از زنان به جهت پذیرفتن خواری و مذلت، از خشونت رفته بر زنان از طرف مردان سخن می‌گوید و آن را آشکار می‌کند. از حقوق برابر زنان و مردان می‌گوید و آموختن علم و دانش و کسب حقوق برابر را طالب است.

پرسش‌های اعتراض‌آمیز مندرج در شعر:

در شاهراه علم چرا ما پیاده‌ایم؟ از حق مردمی ز چه رو دست ما تهی است؟ در پشت سر فتاده چرا چون وساده‌ایم؟ سیلی چرا خوریم؟ منت چرا کشیم؟

ابیات هفت و هشت و نه ابیاتی هستند که در آن‌ها از خشونت مردان علیه زنان سخن می‌رود. سیلی خوردن، منت‌پذیری، در دام افتادن و مشت بر دهان آزمودن تجربه‌هایی است که بسیاری از زنان داشته‌اند. در ابیات دیگر هم به نوعی به انواع خشونت اشاره می‌شود. سوختن و گداختن چون شمع، پایمال شدن، پشت سر افتادن، اثبات فرزند آدم بودن و نفی سیره ابلیس داشتن (که برخاسته از باور به گناه نخستین است). ناتوانی در پیشرفت همانند مردان: (گامی دو راه رفته و گامی ستاده‌ایم).

مردمی در بیت سوم به معنی انسانیت و انسان بودن است. پروین به عنوان یکی از افراد جامعه زنان، با طرح پرسشی دلیل خالی بودن دست خود از حقوق حقه انسانی را جست‌وجو می‌کند. در شعر تقابل آشکاری بین زنان و مردان مشاهده شود و شاعر هشیارانه با استفاده از تقابل نمادین آدم و ابلیس در این بیت به آن می‌پردازد که نشان از دقت نظر و نکته‌بینی شاعر جوان دارد. پروین زنان را فرزندان آدم می‌داند و با ذکر این امر بدیهی، آگاهی خود را نسبت به نظام مردسالاری حاکم بر اندیشه‌ها نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر که دستاورد سیری در یکی از قدیم‌ترین نشریه‌های زنان در ایران با عنوان عالم نسون است نشان داد که پروین اعتصامی شاعره برجسته‌ی قرن اخیر ایران از آغاز انتشار این نشریه با آن هم‌کاری داشته و

شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی ۲۱

بارها اشعاری از وی در این مجله که نشریه اختصاصی زنان بود منتشر می‌شده است. تفحصی که صورت گرفت نشان داد که تقریباً تمامی اشعار مندرج در این نشریه بعدها در دیوان پروین به نام او درج شده‌اند؛ فقط شعری با عنوان «بازایستاده‌ایم» در شماره‌ی ششم سال نخست این نشریه آمده بود که در هیچ‌یک از چاپ‌های دیوان پروین وجود ندارد. این شعر که دربردارنده ایده‌های فمینیستی شاعر است سال‌ها در محاق پوشیدگی و کمون باقی مانده بود. در مقاله‌ی حاضر با مطالعه‌ی سبک‌شناختی که بر روی متن صورت گرفت اثبات شد که این قصیده کوتاه هم از تراوشات قلمی بانوی شعر ایران است و وی در این شعر پرسش‌های اعتراض‌آمیز خود را در رابطه با وضعیت زنان در ایران و مردسالاری حاکم بر آن با لحنی تند بیان می‌کند و به احتمال زیاد همین لحن و سبک و سیاق فمینیستی آن مانعی بود برای این که این شعر در میان دیگر اشعار دفتر وی قرار نگیرد. شعر بازایستاده‌ایم نمونه‌ای برجسته از اشعار فمینیستی زنان در دوره‌ی نخست اعتراضات ایشان در ایران است.

منابع

- آفاری، ژانت (۱۳۸۵) انقلاب مشروطه ایران، ترجمه‌ی رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- اعتصامی، پروین (۱۳۶۹) دیوان پروین اعتصامی، با مقدمه‌ی سیمین بهبهانی، ویرایش کریمی، تهران: انتشارات یادگار.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۸) زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ج ۲، تهران: ابن سینا.
- بهران، صدیقه (۱۳۸۱) نشریات ویژه زنان، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴) جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه‌ی نوشین احمدی خراسانی، چاپ اول، تهران: اختران.
- شیخ‌الاسلامی، پری (۱۳۵۱) زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، تهران: بی‌ن.
- متینی، جلال (۱۳۸۰) «نامه‌های پروین اعتصامی و چند نکته درباره‌ی دیوان شعر و زندگانی وی»، فصلنامه‌ی ایران‌شناسی.
- نشریه‌ی عالم‌نسون، شماره‌های سال اول (از میزان ۱۲۹۹ش تا سرطان ۱۳۰۰ش) و شماره‌های سال‌های سوم تا دوازدهم (از محرم ۱۳۰۱ش تا آبان ۱۳۱۱ش).